



سال هشتم / تابستان ۱۳۹۸

دیاسپوراها: حافظه جمعی: فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی

• سیروان عبدی^۱

چکیده

مقاله حاضر در پی بررسی تأثیر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر ارتباطات مهاجران (دیاسپوراها) و تقویت حافظه جمعی آنان در اقصاء نقاط جهان است که به این منظور از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و ابزار فیش برداری بهره‌گرفته است. حافظه جمعی یا گذشته مشترک همواره برانگیزاننده دیاسپوراها برای بازگشت به و حفظ ارتباط با میهن اصلی بوده است. نتایج مطالعه حاکی از آن است که با توجه به پتانسیل‌های فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، ارتباطات جهانی، مفاهیم حوزه دیاسپورا و حافظه جمعی را تغییر داده است؛ چرا که با کم کردن فواصل زمانی و مکانی امکان ارتباط مداوم بین افراد دیاسپوریک را فراهم کرده و این امر حس در تبعید بودن و دوری از سرزمین آبا و اجدادی را تغییر داده است و مهم‌تر این که امکان تشکیل دولت-ملت‌های رسانه‌ای را برای اجتماعات دیاسپوریک فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: دیاسپورا، اجتماعات دیاسپوریک، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، حافظه جمعی، دولت-ملت.

مقدمه و طرح مسئله

انسان‌ها همواره به دلایل مختلفی تن به مهاجرت و ترک سرزمین آبا و اجدادی داده‌اند که از آن جمله می‌توان به جنگ، قحطی، دلایل مذهبی، انگیزه‌های ایدئولوژیکی، سیاسی و اقتصادی اشاره کرد. مهاجرت از سرزمین مادری پدیده‌ای است که تأثیرات بسیاری بر ملت‌های دنیا داشته است. این مهاجرت‌ها باعث گسست روابط و پیوندهای سرزمینی، خانوادگی و قبیله‌ای و بروز پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای مبدأ و مقصد می‌شود. در گذشته مهاجرت برابر بود با گسست کامل بین مکان مبدأ و مکان مقصد (Faist, 2000). این مهاجران سرزمینی می‌توانند به گروه‌های تأثیرگذاری در سطح ملی و بین‌المللی تبدیل شوند. از میان بازیگران فراملی غیردولتی که تأثیر قابل توجهی بر سیاست بین‌الملل و تصمیم‌گیری خارجی دولت‌ها دارند می‌توان به سازمان‌های غیرحکومتی (NGOs)، شرکت‌های چندملیتی، گروه‌های مذهبی، جوامع معرفتی، سازمان‌های مذهبی و بشردوستانه و جوامع فراملی، گروه‌های تروریستی، قاچاقچیان مواد مخدر و دیاسپوراها (Diasporas) اشاره کرد (Ataman, 2003: 44). دیاسپوراها، یکی از این گروه‌های فراملی هستند که تحقیقات و پژوهش‌های زیادی درباره آن‌ها صورت گرفته است. حضور جوامع مهاجر در کشورهای جهان اولی و مشکلات ناشی از این حضور سبب شده است تا محققان بسیاری، چه به صورت آکادمیک و چه با حمایت و سفارش دولت‌ها، به این حوزه وارد شوند.

همچنین با توجه به قوی بودن حافظه جمعی (Collective Memory) اجتماعات دیاسپوریک (Diasporic communities) به واسطه علقه‌های فرهنگی که دارند، برقراری ارتباط با هم‌نوعان برای آنان اهمیت زیادی دارد. حافظه جمعی پیونددهنده اجتماعات دیاسپوریک با یک مبدأ زمانی و مکانی است که در اثر مصیبت‌های ناگوار از دست رفته است. حافظه جمعی در جهت حفظ انسجام گروه‌های اجتماعی و استمرار هویت جمعی آن‌ها در حال و آینده به کار می‌رود. این حافظه مانند دیگر مقوله‌های هویت (زبان، دین، سنت‌ها، اسطوره‌ها و غیره) عمل می‌کند که مرزهای یک گروه را از گروه دیگر مشخص می‌سازد. منظومه اخلاقی و ارزشی ایجاد می‌کند که اعضای گروه خود را در آن تعریف می‌کنند، درباره یکدیگر و نیز دیگران قضاوت می‌کنند و همین چارچوب ارزشی اقدامات آن‌ها را هدایت کرده و جهت می‌بخشد. حافظه

جمعی از یک طرف مانند دیگر عناصر هویت بخش انسجام درون گروهی اجتماعات دیاسپورایک را حفظ می کند و در ارتباط با چشم انداز آن ها در آینده به کار گرفته می شود. از سوی دیگر، برقراری ارتباط به واسطه رواج فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی (ICTs) در عصر حاضر، بسیار آسان تر و سهل تر شده از گذشته شده است. آی.سی.تی ها با فراهم آوردن امکانات جدید و ایفای نقشی بالقوه مهم در به حاشیه راندن محدودیت های مکان و زمان (Champion & Fielding, 1992: 122) به افراد اجازه می دهند که علی رغم نداشتن قرابت فیزیکی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. لذا با توجه به جهت گیری فرهنگی اجتماعات دیاسپوریک که به سمت همנוعان خود در دیگر ملت ها و کشورهای مادری است (Cohen, 1997, 12-28)، مقاله حاضر تلاش دارد، نحوه تأثیر گذاری فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی را بر حافظه جمعی اجتماعات دیاسپوریک و ارتباط آنان با سرزمین آبا و اجدادی شان را بررسی کند.

دیاسپورا؛ معنا و مفهوم

پژوهش های بسیاری درباره دیاسپورا صورت گرفته است که می توان آن ها را به دو دسته توصیفی و نظری تقسیم کرد. گروه اول که متأثر از آثار ویلیام سفران (William Safran)، رابین کوهن (Robin Cohen) و خاچیک تولولیان (Khaching Tololyan) است، به دنبال شناخت ویژگی های متمایز کننده جوامع دیاسپورایی از سایر جوامع است. گروه دوم با تأسی از نظریه های هومی بابا (Homi Bhabha)، پل گیلوری (Paul Gillory) و آواتار برا (Avatar Brha)، برآنند تا با ارائه نظریه، چالش های تعامل جوامع دیاسپورایی با جامعه میزبان را بررسی کنند و راهکارهایی را برای امکان این تعامل و مزیت های آن ارائه دهند.

برای مفهوم دیاسپورا تعاریف متعددی ارائه شده است که در ذیل به چند مورد از آن اشاره می شود. به عقیده کریم اچ کریم (Karim.H.Karim) دیاسپورا به جمعیت مهاجری گفته می شود که به دلایل ناخواسته از سرزمین خویش مهاجرت می کنند و در سرزمین دیگری سکنی می گزینند. وی بر این باور است که واژه دیاسپورا برگرفته از واژه یونانی دیاسپیرین (Diaspeirein) به معنای پاشیدن بذر است. کریم کاربرد این مفهوم را به طور سنتی به پراکندگی یهودیان در خارج از اسرائیل اشاره داشته است، اما اکنون در مورد فهرست فزاینده ای از گروه های مهاجر به کار می رود (Karim, 1998). بن رافائل (Ben-Rafael) (۲۰۰۳) نیز که در

زمینه دیاسپورا تحقیقاتی انجام داده است آن را واژه‌ای یونانی می‌داند که بیان کننده پراکندگی افراد دارای ریشه یکسان در سراسر جهان است. تولولیان (۲۰۰۰) و کانینگهام (Cunningham) (۱۹۹۶) نیز آن را در طیف وسیعی از پراکندگی انسان‌ها پذیرفته و به رسمیت شناخته‌اند. آلیا (Alia) پراکندگی گروه‌های بومی در کشورهای آمریکای شمالی همانند مهاجرت فراملی مسلمان‌ها در قالب دیاسپورا مفهوم‌پردازی می‌کند (Alia, ۲۰۰۳). نوع شکل‌گیری یک اجتماع دیاسپوریک از یک فرایند یک شکل تبعیت نمی‌کند و امکان دارد که از یک مکان به مکان دیگر تغییر پیدا کند (Bauböck, 1994, 1998). این‌گونه اجتماعات اغلب حول یک یا چند ویژگی فرهنگی و یا اجتماعی شکل می‌گیرند؛ برای برخی از آن‌ها زبان، برای برخی دین و برای برخی دیگر ساختارهای اقتصادی، عنصری تعیین کننده است. بررسی این عناصر راه را برای گونه‌شناسی دیاسپورا باز می‌کند. در واقع با بررسی عناصر گوناگون در شکل‌گیری و تداوم یک دیاسپورا، می‌توان چهار گروه را به عنوان گروه‌های اصلی تقسیم‌بندی کرد: گروه اول گروهی است که حول یک حوزه کارآفرینی شکل می‌گیرد. عنصر اصلی ساختار در گروه دوم دیاسپوراها، دین و زبان است. سومین گروه دیاسپوراها، آن‌هایی هستند که حول یک حوزه سیاسی شکل می‌گیرند. چهارمین گروه حول محور نژادی و فرهنگی شکل می‌گیرند. البته باید بر این نکته مهم تأکید کرد که این چهار گروه نمی‌توانند تمامی انواع گروه‌های پراکنده را در سطح جهان که از فرآیند مهاجرت ایجاد شده‌اند، شامل شوند. انواع دیگر عمدتاً در دوره پسا-استعماری شکل گرفته‌اند. این گروه‌ها که عمدتاً به مهاجران فراملی شهرت دارند، شباهت‌هایی با گروه‌های دیاسپورا دارند ولی دارای ویژگی خاص خود نیز می‌باشند (Bruneau, 2010). اعضای دیاسپورا خودآگاهی ملی عمیقی دارند و به واسطه همین خودآگاهی زندگی اجتماعی و فرهنگی فعالی داشته و منشاء خلق آثار هنری و ادبی بالایی می‌گردند.

سفران (۲۰۰۴: ۸۳-۸۴) با اشاره به ویژگی‌های دیاسپوراها دست کم شش ویژگی را برای آنان بر می‌شمارد: ۱. خاطره مشترک و جمعی از سرزمین مادری، ۲. خانه مادری را تنها خانه واقعی پنداشتن، ۳. داشتن رویای بازگشت نهایی به سرزمین مادری، ۴. هنوز متعهد به آبادی و بهبودی و توسعه سرزمین مادری بودن، ۵. در راستای بهبود و آبادی سرزمین مادری کار و فعالیت کردن و ۶. در سرزمین مادری نیز نقطه‌ای وجود داشته باشد که بتواند منبع هویت-

بخش برای آن‌ها به شمار بیاید. نکته شایان تأمل در مورد نظر سفران این است که همه شش ویژگی، بر محوریت سرزمین اصلی و دوری از آن بنا شده‌اند.

طبیعتاً بروز مهاجرت‌های فراملی پیامدهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را برای کشورهای مبدأ و مقصد به بار می‌آورد، بنابراین نوع برخورد دولت‌ها نیز با این پدیده متفاوت خواهد بود. بعضی دولت‌ها مهاجرت از کشور را تقبیح و آن را نوعی خیانت به کشور و ملت می‌دانند مانند دولت‌های ژاپن و اسرائیل (Oh, 2007). دولت‌های دیگری نیز وجود دارند که به مهاجران ضمن اعطای تابعیت کامل، به آنان اجازه می‌دهند در انتخابات‌های کشور میزبان شرکت کنند و حتی از بعضی مزایا هم برخوردار شوند (Ben-Rafael, 2013).

مهاجران، فارغ از ویژگی‌های کشور مقصد، ارتباطات نسبتاً مشابهی با دو سرزمین برقرار می‌کنند. آن‌ها خاطرات، افسانه‌ها و دیدگاهی جمعی نسبت به میهن، تاریخ و فرهنگ را حفظ می‌کنند (Cohen, 2007). در سطح نهادی می‌توان به چهار دیدگاه درباره رابطه دیاسپوراها با سرزمین آبا و اجدادی اشاره کرد (Bauböck, 2010, Cheran, 2004): رویکرد ملی‌گرایانه (Nationalistic perspective)، مدل دوکانونه (Bifocal model) مدل دیاسپوریک (Diasporic model) و مدل بومی‌گرایی (Nativistic attitude). رویکرد ملی‌گرایانه سرزمین آبا و اجدادی را تنها مرکز دیاسپوراها می‌داند. در این رویکرد سرزمین آبا و اجدادی تنها مکانی است که در آن فرهنگ و تجربه‌های روزمره عضویت جمعی به طور کامل بیان می‌شود. تنها در اینجا است که هویت دیاسپوراها فراملی، هویت اصلی افراد به شمار می‌آید. مدل دوکانونه، سرزمین آبا و اجدادی را ملزم به همکاری با محیط‌های دیاسپوراها فراملی می‌داند (علی‌رغم مشکلاتی که ممکن است در نتیجه رقابت بر سر تفوق یا دیدگاه‌های متفاوت درباره چالش‌های جمعی به وجود آید). در مدل دیاسپوریک، فرهنگ دیاسپورای فراملی به شرایط دیاسپوریک پیشرفته‌تری منتسب است که از آن می‌توان (به عنوان قطب تأثیر فرهنگی) میراث فرهنگی را بر تمدن‌های جهانی بازتاب داد. دیدگاه بومی‌گرایی از زاویه سرزمین آبا و اجدادی به موضوع نگاه می‌کند. این دیدگاه دیاسپوراها را نسبت به فرهنگ و هویت اصلی، بیگانه می‌داند و ایجاد گسست بیشتر با دیاسپوراها را ترغیب می‌کند (همان). این مدل‌های مختلف در چارچوب‌های جهانی مشترکی ظهور می‌یابند که در آن نمایندگان سرزمین‌های آبا و اجدادی و سازمان‌های دیاسپوراها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (Goldring, 2002).

وجود این حجم از ادبیات و انجام پژوهش‌های بسیار در این زمینه حاکی از تأثیر و قدرتی است که این مهاجران فراملی بر سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی دارند. به عقیده آسترگارد (Ostergaard) و نیلسن (Nielsen) دیاسپوراها بازیگران کلیدی بالقوه‌ای در روابط کشور میزبان و دولت اصلی به شمار می‌آیند و می‌توانند تحت تأثیر هر دو قرار گیرند و در پیوند دو سویه، سیاست خارجی کشور میزبان و مبداء خود را تحت تأثیر قرار دهند (۲۰۰۱). آنان می‌افزایند که دولت‌ها با گسترش نقش حمایتی از مهاجران در خارج؛ مایل هستند با تبدیل آنان به گروه‌های فشار منافع خود را تأمین کنند. چران (Cheran) نیز می‌گوید که دیاسپوراها از این قابلیت برخوردارند که تا حد زیادی، اقتصاد و تولید ثروت کشور میزبان و میهن را تحت تأثیر قرار دهند (7: 2003).

حافظه جمعی و دیاسپوراها

موریس هالبوکس (Maurice Halbwachs) (۱۹۹۲) معتقد است که حافظه جمعی یک فرایند بی‌وقفه و فعال است که در درون بافت جامعه رخ داده و به صورت اجتناب‌ناپذیری از آن متأثر است. حافظه جمعی به وسیله جامعه‌ای که در آن شکل می‌یابد تعیین یافته و آن جامعه را هدایت می‌کند. حافظه جمعی در جهت حفظ انسجام گروه‌های اجتماعی و استمرار هویت جمعی آن‌ها در حال و آینده به کار می‌رود. منظور وی از گروه‌های اجتماعی حلقه‌ای از افراد است که قادر به تولید و بازتولید حافظه جمعی باشند. بنابراین حافظه جمعی مانند دیگر مقوله‌های هویت (زبان، دین، سنت‌ها، اسطوره‌ها و غیره) عمل می‌کند که مرزهای یک گروه را از گروه دیگر مشخص می‌سازد. منظومه اخلاقی و ارزشی ایجاد می‌کند که اعضای گروه خود را در آن تعریف می‌کنند، درباره یکدیگر و نیز دیگران قضاوت می‌کنند و همین چارچوب ارزشی اقدامات آن‌ها را هدایت کرده و جهت می‌بخشد. در این معنا حافظه جمعی یک مکانیزم دو طرفه را به وجود می‌آورد که همان‌طور که هویت ملت خودی را تشکیل می‌دهد، هویت ملی دیگران را نیز به وجود می‌آورد. بر خلاف هویت تاریخی، هویت جمعی زنده است. هم یک میراث است و هم در لایه‌ها و تار و پود جامعه فعال است. و مهم‌تر این که به دلیل همین خاصیت اجتماع گرایانه خود یک کارکرد اجتماعی به دقت تعریف شده را داراست. بدون حافظه جمعی زندگی در جهان اجتماعی بدون نظم و انسجام است.

حافظه جمعی نقش محوری در فهم حیات فرهنگی دارد، نه از آن جهت که به گذشته مربوط است، بلکه از آن رو که حافظه، چارچوب رابطه ما با گذشته به شمار می آید. حافظه جمعی، اعضای گروه را حول سرگذشت جمعی مشترک گرد هم آورده و نسبت به موجودیت مشترکشان احساس تعلق به وجود می آورد. حافظه جمعی آفریننده یک کلیت سیاسی منحصر به فرد برای گروه است. این پدیده که خود هویت گروهی را مستحکم می کند از خلال فرایند «به یاد آوری» عمل می کند. به یاد آوری یک نوع عطف به گذشته است؛ به این معنا که ما تجارب و رویدادهایی را به یاد می آوریم که در حال حاضر در جریان هستند. مکانیزم به یاد آوری متأثر از بستر و بافت اجتماعی است که یک رویداد و یا واقعه تاریخی در ذهنیت گروه به یاد آورده شود، در آن صورت کنش های یادآورنده در لحظات گذار دشوار به تقویت روحیه نسل کمک می رسانند (Olick & Robbins, 1998).

لازم به توضیح است که حافظه جمعی در یک فضا که هم زمان مند است و هم مکان مند، اتفاق می افتد. جیمز رچ (James Wretsch) (۲۰۰۲) در مطالعات خود نشان داده است که هدف از به یاد آوری پیوند زمانی با گذشته است. مناسک به یادآورنده که در جشن ها و یادبودها وجود دارد با این هدف است که گروه را در سوگ و یا شادمانی آبا و اجدادی شان شریک کند. آن ها بدین سان زمان خطی و سپری شونده را به زمان دورانی تبدیل و تکرارپذیر تبدیل و از رهگذر آن احتیاجات روحی و روانی خود را ارضا می کنند. اما می توان عنصر مکان به بهترین وجه آن را در آنچه پیر نورا (Pierre Nora) (۱۹۸۹) «ناقلان حافظه» (Memory Vehicle) نامیده است، مشاهده کرد. بناهای یادبود، متون، تاریخ شفاهی، نمایش ها و خاطره ها، موزه ها، مطبوعات، سایت ها، نمایشگاه ها، عکس ها، شبکه های اجتماعی، کانال ها و مراکز قدرت و هر چیزی که حافظه جمعی گروه را استمرار بخشیده و توانایی حفظ و انتقال آن را داشته باشد، در مقوله ناقلان حافظه جای می گیرد. ناقلان حافظه ضمناً درصدد هستند که مکان هایی نمادین و فضاهایی مقدس برای زنده نگهداشتن رویدادهای مهم در حافظه جمعی به وجود آورند.

بویم (Boym) (۲۰۰۱) با ارائه مفهوم «نوستالوژی» آن را علاقه شدید به بازگشت به موطن خود می داند، حال این موطن وجود داشته باشد و یا از بین رفته باشد (۳۶). وی جنبه مهم دیگر احساس نوستالژیک را وجود یک رابطه دورادور بیان می کند. احساس نوستالژیک می تواند از خلال مصنوعات نوستالژیک مثلاً عکس ها و یا متون و یا مناسکی قدیمی که فضایی را آکنده

کرده است، دامن زده شود. نیازهای معنوی و عاطفی، فرهنگی و حس تعلق ملی به سرزمین آبا و اجدادی در اشکال نوستالژیک تعبیه می‌گردد (هوینسن، ۲۰۰۳).

مفهوم «حافظه همدلانه» (vicarious memory) را پاول کانرتون^۱ برای بیان حافظه رویداد و یا تجربه‌ای به کار می‌برد که شخص به صورت مستقیم آن را تجربه نکرده است، اما با این حال به شکل عاطفی و شخصی نسبت بدان خود را متعهد می‌بیند. بنابراین فرد این حافظه را از دیگران فراگرفته و به دیگران انتقال می‌دهد. در حقیقت، این نوع حافظه نه در جغرافیا و نه در زمان، در هیچ یک از این دو، بند نمی‌شود. اعضای دیاسپورا به دلیل زندگی دور از یکدیگر و محصور بودن در فرهنگ‌های نامتجانس استعداد آن را دارند تا از گنجینه‌های حافظه خود حراست کرده و به آن غنا بخشند و چون رویدادهای تلخ تاریخی سبب پراکندگی اعضای دیاسپورا و جدا افتادگی آن‌ها از سرزمین مبدأ است، بنابراین حافظه فرهنگی اعضای دیاسپورا، همچون یک مؤلفه هویت‌بخش، کارکرد ملی‌گرایانه دارد (Connerton, 1989).

کارلتون می‌نویسد اعضای دیاسپورا اتفاقاً به دلیل زندگی دور از یکدیگر و محصور بودن در فرهنگ‌های نامتجانس استعداد آن را دارند تا از گنجینه‌های حافظه خود حراست کنند و به آن غنا بخشند و چون رویدادهای تلخ تاریخی سبب پراکندگی اعضای دیاسپورا شده است، همچون یک مؤلفه هویت‌بخش، کارکرد ملی‌گرایانه شدیدی دارد.

دیاسپوراها و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی

دیاسپوراها برای حفظ روابط قومی و تقویت حافظه جمعی به یک بستر نیاز دارند. فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی با توجه به قابلیت‌هایی که دارند می‌توانند این بستر را فراهم آورده‌اند. به عقیده بعضی از دانشمندان ایده اجتماعات فراملی، مهاجرت به معنای قطع ارتباط کامل با اجتماع میهن را به کناری نهاده است. کستلز (Castles) و دیویدسن ((Davidson ۲۰۰۰) معتقدند که مهاجران اکنون راحت تر می‌توانند پیوندهای خود را با کشور آبا و اجدادی حفظ کنند، به علاوه اینکه روابط فراملی پیچیده در حال توسعه است و سرزمین‌های آبا و اجدادی نقش لنگرگاه‌های نمادین را برای دیاسپوراها ایفا می‌کنند (Cohen, 1998; Faist, ۱۹۹۷; Van Safran ۱۹۹۱; Hear, ۲۰۰۰). یاکوبسن (Jacobsen) نیز بر این باور است که ظهور اینترنت و به تبع آن فناوری‌های

1 Paul Connerton

اطلاعاتی و ارتباطی مرزهای ملی را اکنون نفوذپذیرتر کرده است و اهمیت سرزمین به عنوان نشانه مهم اجتماع در حال افول است (۲۰۰۲). سوفوس (Sofos) (۱۹۹۶) ایجاد اجتماعات فراملی را تنها در سایه ظهور فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی امکان پذیر می داند. وی با اشاره به کارکردهای رسانه های دیاسپوریک می گوید که این رسانه ها امکان تصور اجتماع فراملی را از طریق فرایند سرکوب یا خنثی سازی تفاوت های درونی؛ از طریق ایجاد بافتی که در آن تجارب مشترک می تواند گسترش یابد و تجارب گذشته به شیوه های مشابه تفسیر شود، میسر می سازند (Wahlbeck) (۱۹۹۸) ایجاد شبکه های اجتماعی فراملی در میان اجتماعات دیاسپوریک را موجب آگاهی دیاسپوریک و شکل گیری نوعی هویت ملی فرامرزی و در نتیجه تقویت حافظه جمعی ارزیابی می کند.

می توان نیاز دیاسپوراها به فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی را از دو زاویه مورد تحلیل قرار داد. تریمولا (Tirumala) می گوید که در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی، از یک سو می تواند موجب تقویت رابطه گروه دیاسپورا با کشور مبداء شود و از سوی دیگر با ایجاد ارتباط بین اعضای درون گروه متعلق به یک گروه هویتی خاص، اشتراکات هویتی آنها را تقویت کند و به عنوان ابزاری برای بازیابی ریشه های هویتی مورد استفاده گروه های قومی قرار گیرد (2: 2009). بازیابی ریشه های هویتی موجب می شود که جذب فرهنگی اجتماعات دیاسپوریک در جمعیت ملی با دشواری همراه باشد (سالیکید سانتیس، ۲۰۰۳). حسن پور (۲۰۰۳) نیز یکی از نتایج جهانی شدن و رشد رسانه های جهانی را رشد حس قومی، آگاهی ملی و حافظه جمعی در میان اجتماعات دیاسپوریک می داند.

آلینیا (Alinia) در مطالعه دیاسپوراها به وجود نوعی رابطه دیالکتیکی میان سه مسئله شرایط تبعید، احساس تعلق و ناسیونالیسم باور دارد. وی معتقد است که خاطرات جمعی، تجارب زیسته، تاریخ و هویت، احساس تعلق فرهنگی و سرزمینی تبدیل به منابعی در راستای فعالیت های آزادانه و ناسیونالیستی می شوند. رسانه های جدید و به طور خاص کانال های ماهواره ای و اینترنت سبب بازنمایی این مسائل، تبادل فرهنگی و رسانه ای و حفظ حافظه جمعی و همچنین شکل دهی و برساخت نوعی احساس ناسیونالیستی جمعی می شود (۲۰۰۴).

آپادورای نیز بر این رسانه های الکترونیکی تولیدکنندگان و مخاطبان را در سراسر مرزهای ملی به یکدیگر متصل می کنند و چون این مخاطبان خود گفتگوهای جدیدی را بین کسانی که

مهاجرت کرده‌اند و آنانی که در سرزمین مادری مانده‌اند، به راه می‌اندازند، می‌توان حوزه‌های عمومی دیاسپوراها زیادی را در بین آن‌ها یافت (Apadurai, 1996:22). اما این حوزه‌های عمومی، آن‌هایی نیستند که مد نظر یورگن هابرماس (۱۹۹۱) است، زیرا نه تنها فراملی هستند بلکه به نظر نمی‌رسد آنچه را وینسنت ماسکو (Vincent Mosco) «شهروندی فراملی» (Transnational citizenship) (۱۹۹۷:۳۸) و یا آنچه گراهام مورداک (Graham Murdock) «دموکراسی جهان‌شهری» (cosmopolitan democracy) می‌نامد، ارتقاء دهد (۱۹۹۸).

نتیجه‌گیری

همانگونه که در ابتدای مقاله ذکر شد بی‌شک یکی از دغدغه‌های دیاسپوراها، حفظ ارتباط با سرزمین مادری و آبا و اجدادی‌شان است. دیاسپوراها با وجود اسکان در یک سرزمین بیگانه همواره سعی کرده‌اند ارتباط خود را با سرزمین مادری از خلال فرایندهای مناسکی و خلق نمادها و اسطوره‌های فرهنگی حفظ کنند. وجود علقه‌ها و تعلقات قوی یکی از ویژگی‌های برجسته دیاسپوراها است. حال با رواج فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نظیر تلویزیون‌های ماهواره‌ای، اینترنت؛ اجتماعات دیاسپوریک از امکانات بیشتری برای برقراری ارتباط برخوردار شده‌اند. اکنون کاملاً روشن است که فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی به حفظ بسیاری از اجتماعات دیاسپوریک کمک می‌کند (Budarick, 2014). چاندان (Candan) و هانگر (Hunger) (۲۰۰۸) می‌گویند که جهان رسانه‌ای نوین امکاناتی را برای اجتماعات دیاسپوریک فراهم آورده است که به تقویت احساس ناسیونالیستی آنان کمک می‌کند. مهم‌ترین این امکانات آزادی بیان، ارتباط روزانه با دیگر اعضای دیاسپوریک، فراهم نمودن آرشیوی از اسناد ملی و غیره است که در نهایت تقویت هویت ملی و حافظه جمعی را به دنبال دارد. ارتباطات دیاسپوریک در غیاب دولت-ملت، سبب شکل‌گیری نوعی دولت-ملت در فضای رسانه‌ای می‌شود. بنابراین دیاسپوراها به دلیل شرایط ویژه‌ای که دارند و همچنین احساس تعلق و تجربه در تبعید بودن و لزوم حفظ ریشه‌های قومی و ملی در خارج از سرزمین‌های آبا و اجدادی، خود را ملزم به استفاده از ظرفیت‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای برقراری ارتباط با کشور مادری و هم‌میهنانی که در مکان‌های دیگری هستند، می‌بینند. استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی امکان تبادل پیام بین و میان اجتماعات دیاسپوریک را در سراسر دنیا امکان‌پذیر کرده و دسترسی به

اطلاعات اجتماعات به صورت همزمان، پویایی دیاسپوراها را تغییر داده و باعث تقویت کمی و کیفی پیوستگی آنان شده است. این فناوری ها ابزاری برای خلق و ترویج نمادها و اسطوره های فرهنگی و فرایندهای مناسکی در میان اجتماعات دیاسپوریک شده و تقویت آن ها را در پی داشته است.

با توجه به پتانسیل های فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی می توان گفت که ارتباطات جهانی مفاهیم حوزه دیاسپورا و حافظه جمعی را تغییر داده است؛ چرا که با کم کردن فواصل زمانی و مکانی امکان ارتباط مداوم بین افراد دیاسپوریک را فراهم کرده است و این امر حس در تبعید بودن و دوری از سرزمین آبا و اجدادی را تغییر داده است و مهم تر این که امکان تشکیل دولت-ملت های رسانه ای را برای اجتماعات دیاسپوریک فراهم کرده است. با توجه به شرایط جامعه ایران (وجود دیاسپورای ارامنه در ایران، وجود چند میلیون ایرانی در خارج از کشور که بعد از انقلاب مهاجرت کرده با مجبور به مهاجرت شده اند) توجه به پتانسیل های فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی در این عرصه از اهمیت فراوانی برخوردار است و می تواند عرصه ای برای پژوهش های جامعه ایران و ارتباطات جهانی باشد.

منابع

- Alinia, Mino (2004). Spaces of Diasporas: Kurdish Identities, Experiences of Otherness and Politics of Belonging, Doctoral Dissertation, Department of Sociology, Gutenberg University.
- Alia, Valerie (2003). Scattered Voices, Global Vision: Indigenous Peoples And The New Media Nation. In Karim H. Karim (ed.), The Media of Diaspora. London: Routledge.
- Appadurai A (1996) *Modernity at Large: Cultural Dimensions of Globalization*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Ataman, Muhittin (2003); "The Impact of Non-State Actors on World Politics: A Challenge to Nation-States", *Alternatives: Turkish Journal of International Relations* 2:1(Fall), pp. 42-66.
- Adamson, Fiona B. and Madeleine Demetriou (2007); "Incorporating Diasporas in to IR Theorizing: Remapping the Boundaries of State and National Identity." *European Journal of International Relations* 13:4, pp.489-526.
- Baubock R (1994) *Transnational Citizenship*. Aldershot: Edward Elgar.
- Ben-Rafael E (2001) *Ethnicity, sociology of*. *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, Vol. 7. London: Elsevier, pp. 4838-4842.
- Bauman Z (2000) *Liquid Modernity*. Cambridge: Polity Press.
- Bauböck R (2010) Cold constellations and hot identities: Political theory questions about transnationalism and diaspora. In: Bauböck R and Faist T (eds) *Diaspora and Transnationalism: Concepts, Theories and Methods*. Amsterdam: Amsterdam University Press, pp. 295-321.
- Brubaker R (2009) Accidental diasporas and external 'homelands' in Central and Eastern Europe: Past and present. In: Ben-Rafael E and Sternberg Y (eds) *Transnationalism: Diasporas and the Advent of a New (Dis)order*. Leiden and Boston: Brill, pp. 461-482.
- Budarick, J (2014), Media and the limits of transnational solidarity: Unanswered questions in the relationship between diaspora, communication and community. *Global Media and Communication* 2014, Vol. 10(2) 139-153
- Bruneau, M. (2010). Diasporas, Transnational Spaces and Communities. In: Baubock, R. and Faist, T. (eds): *Diaspora and Transnationalism: Concepts, Theories and Methods*. Amsterdam University Press. p. 9-34.
- Ben-Rafael E (2003) *Multiculturalism and multilingualism in Israel*. In: Hary BH (ed.) *Corpus Linguistic*
- Boym, Sletvana. (2001), *The future of Nostalsia*, New York: Basic Books.
- Cohen, R. (1997) *Global Diasporas*. Seattle, WA: University of Washington Press
- Cresswell, T. (1996) *In Place, Out of Place: Geography, Ideology and Transgression*. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press
- Castles, S. and A. Davidson (2000) *Citizenship and Migration: Globalization and the Politics of Belonging*. New York: Routledge
- Champion, T. and T. Fielding (eds) (1992) *Migration Processes and Patterns, Vol. 1, Research Progress and Prospects*. London: Belhaven
- Cohen R (2007) Solid, ductile and liquid: Changing notions of homeland and home in diaspora studies. QEH Working Paper Series No. 156

- Connerton, Paul. (1989), *How Societies Remember*, Cambridge, UK; New York: Cambridge University Press.
- Candan, Menderes & Hunger, Uwe (2008). "Nation Building Online: A Case Study of Kurdish Migrants in Germany", *German Policy Studies* Vol. 4, NO. 4, pp: 125-153.
- Cheran, R. (2003); "Diaspora Circulation and Transnationalism as Agents for Change in the Post Conflict Zones of Sri Lanka" A Policy Paper Submitted to the Berghof Foundation for Conflict Management, Berlin, Germany, September.
- Cheran R (2004) *Diaspora circulation and transnationalism as agents for change in the post conflict zones of Sri Lanka*. Berlin Berghof Foundation for Conflict Management
- De Santis, H. (2003), 'Mi programa es su programa: Tele/visions of a Spanish-language Diaspora in North America', in K.H. Karim (ed.), *The Media of Diaspora*. London: Routledge, pp. 63-75.
- Faist, T. (2000) *The Volume and Dynamics of International Migration and Transnational Social Spaces*. Oxford: Clarendon Press
- Fraser A (1995) *The Gypsies (The Peoples of Europe)*, 2nd edn. Hoboken, NJ: Wiley-Blackwell.
- Ferjani, Riadh (2005) 'Arab TV Channels in the Public Sphere: The Case of Al-Manar'. Paper delivered to the conference on Media and European-Middle Eastern Relations: A Virtual Dialogue?, Beirut, November.
- Goldring L (2002) *The Mexican state and transmigrant organizations: Negotiating the boundaries of membership and participation*. *Latin American Research Review* 37: 55-99.
- Gillespie M (2007) *Security, media and multicultural citizenship: A collaborative ethnography*. *European Journal of Cultural Studies* 10(3): 275-293.
- Hiller H. Franze M (2004), *New ties, old ties and lost ties: the use of the internet in diaspora, new media & society*, London, Thousand Oaks, CA and New Delhi Vol6(6):731-752 [DOI: 10.1177/146144804044327]
- Hoysen, Andreas. (2003), *Present past: Urban Palimpsests and the Politics of Memory*, Stanford, CA, Stanford University Press.
- Hargreaves, Alec G. And Dalila Mahdjoub (1997, Dec.). "Satellite Television Viewing among Ethnic Minorities in France." *European Journal of Communication*, 459-77.
- Hassanpour A (2003) *Diaspora, homeland and communication technologies*. In: Karim KH (ed.) *The Media of Diaspora*. London: Routledge, pp.76-88.
- Halbwachs, Maurice. (1992), *On Collective Memory*, Chicago, the University of Chicago press.
- Kalra, V., Kaur, R., & Hutnyk, J. (2005). *Diaspora and Hybridity*. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Karim, Karim. 1998. *From Ethnic Media to Global Media: Transnational Communication Networks among Diasporic Communities*. Paper presented to the XXI biennial conference of the International Association for Media and Communication Research, Glasgow, Scotland, July
- Khayati, Khalid (2008). *From Victim Diaspora to Transborder Citizenship? Diaspora Formation and Transnational Relations among Kurds in France and Sweden*. Linköping University, Department of Social and Welfare Studies.

- Laguerre MS (2006) *Diaspora, Politics and Globalization*. New York: Palgrave Macmillan
- Mandaville P (2001) *Reimagining Islam in diaspora: The politics of mediated community*. *International Communication Gazette* 63(2-3): 169-186.
- Murdock, Graham (1998, May). "Grounding Globalisation: New Formations of Necessity and Desire." Paper presented at the Questioning International Communication conference, Ottawa, Canada
- Mosco, Vincent (1997, Dec.). "Citizenship and Technopoles." *The Public-Javnost: Journal of European Institute for Communication and Culture* (4:4), 35-45.
- Nora, Pierre. (1989), *Between Memory and History: Les Lieux de Memoire, Representation, Presentation*, No. 26. PP. 7-24.
- Oh CJ (2007) *Role of homeland in preserving diaspora identity: The case of Korea and Turkey's engagements with the Korean and Ahiska Turkish diasporas in Central Asia*. *Journal of Central Asian and Caucasian Studies (JCACS)* 2(4): 156-172.
- Ostergaard-Nielsen EK (2001) *Transnational political practices and the receiving state: Turks and Kurds in Germany and the Netherlands*. *Global Networks* 1(3): 261-281.
- Olick, Jeffrey and Robbins Joyce. (1998), *Social Memory Studies: From Collective Memory to the Historical Sociology of Mnemonic Practices*, *Annual Review of Sociology*, No.22, PP. 105-140.
- Punathambekar, Aswin (2005); "Bollywood in the Indian-American Diaspora" *International Journal of Cultural Studies*, 8:2, pp. 151-173.
- Romano, David (2002). "Modern Communications\ Technology in Ethnic Nationalist Hands: the Case of the Kurds", *Canadian Journal of Political Science*, Vol.35, No.1, pp: 127-149.
- Safran W (2004) *Deconstructing and comparing diasporas*. In: Kokot W, Tölölyan K and Alfonso C (eds) *Diaspora, Identity and Religion*. London: Routledge, pp. 9-
- Tololyan, Khachig (2007). "The Contemporary Discourse of Diaspora Studies." *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*. 27/3: 655-647.
- Tirumala, Lakshmi N. (2009); *Bollywood Movies and Identity Construction Amongst Second Generation Indian Americans*, A Graduate Thesis. in Mass Communications, College of Mass Communications, Texas Tech University. Available at: <http://www.global.asc.upenn.edu/docs/ICA2009/LakshmiT.pdf> [2012/3/13].
- Tsaliki, L. (2003), 'Globalisation and Hybridity: The Maintenance of a National and Cultural Identity', in K.H. Karim (ed.), *The Media of Diaspora*, London: Routledge, pp. 163-176
- Tsagarousianou R (2004) *Rethinking the concept of diaspora: Mobility, connectivity and communication in a globalised world*. *Westminster Papers in Communication and Culture* 1(1): 52-65.
- Van Hear, N. (1998) *New Diasporas*. Seattle, WA: University of Washington Press
- Vertovec S (1997) *Three meanings of diasporas*. *Diaspora* 6(3): 277-297.
- Wretsch, James. (2002). *Voices of Collective Remembering*. Cambridge, UK, Cambridge University Press29.

- Werbner P (2002) *The place which is diaspora: Citizenship, religion and gender in the making of chaotic transnationalism. Journal of Ethnic and Migration Studies 28(1): 119-133.*
- Wahlbeck, Osten (1998). Transnationalism and Diasporas: the Kurdish Example, Paper presented at the International Sociological Association XIV World Congress of Sociology, July 26-August 1, 1998, Montreal